

# مهدی صاحب الزمان علیه السلام

## کلام امیر مؤمنان علیه السلام

جواد خزمی

آن حضرت و رهاورد آن سخن گفته است.

آنچه پیش رو دارید، نگاهی است به مسئله مهدویت و سیمای حضرت مهدی علیه السلام در کلمات گهربار امیر مؤمنان علی علیه السلام.

الف. اشتیاق به رؤیت مهدی علیه السلام

یوسف کنعان عشق، بنده رخسار اوست  
 خضر بیابان عشق تشنه گفتار اوست  
 موسی عمران عشق طالب دیدار اوست  
 کیست سلیمان عشق بر در او یک فقیر<sup>۱</sup>  
 علی علیه السلام آنجا که سخن از

بشریت سالهاست که در انتظاری بس بزرگ و نجاتی نهایی بی قرار است. توده‌های عظیم انسانی هر کدام به فراخور حال و مجال دین و فرهنگ و آگاهی خویش در انتظار اصلاحگر توانمند و بزرگ جهانی به سر می‌برند. در این میان، انبیاء و امامان معصوم علیهم السلام بیش از دیگران از مهدویت، انتظار، شرائط آن، ظهور و علائم آن، دوران سخت غیبت، دوران ظهور، رهاورد آن، و... سخن گفته‌اند. از جمله امیر مؤمنان علیه السلام به صورت‌های مختلفی از آن یار سفر کرده یاد نموده و در برخی جملات از ویژگیهای حکومت جهانی

۱. مرحوم شیخ حسین اصفهانی (کمپانی).

گوشه‌ای از غم هجران تو گفتم با شمع  
 آنقدر سوخت که از گفته پشیمانم کرد  
 آن حضرت در سخن دیگری در  
 نهج البلاغه امام زمان علیه السلام را این‌گونه  
 می‌ستاید: «اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ  
 قَائِمٍ لَيْلَةٍ بِحُجَّةٍ إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَإِمَّا خَائِفًا  
 مَغْمُورًا»<sup>۱</sup> آری خداوند! زمین هیچ‌گاه  
 از حجت الهی خالی نیست که برای  
 خدا [یا برهان روشن] قیام کند. [آن  
 حجت و امام] یا ظاهر و مشهور و یا  
 ترسان و مستور است. و در همانجا  
 می‌فرماید: «به خدا سوگند که  
 تعدادشان اندک است، ولی نزد  
 خداوند بزرگ مقدارند؛ [چرا] که  
 خداوند بزرگ به وسیله آنان حاجتها و  
 نشانه‌های خود را نگاه می‌دارد تا به

مهدی علیه السلام به میان می‌آید، به سینه خود  
 اشاره کرده و آهی کشیده، می‌فرماید:  
 «سَوْفًا إِلَيَّ رُؤْيَتِهِ»<sup>۱</sup> چه قدر به دیدار او  
 مشتاقم! و در نهج البلاغه می‌فرماید:  
 «أَلَا يَا بِي وَ أُمِّي مِنْ عِدَّةٍ أَسْمَأْتُهُمْ فِي السَّمَاءِ  
 مَعْرُوفَةٌ وَ فِي الْأَرْضِ مَخْهُولَةٌ»<sup>۲</sup> آگاه باشید!  
 آنان که پدر و مادرم فدایشان باد، از  
 کسانی هستند که نام آنها در آسمان  
 معروف و در زمین ناشناخته است.

امیر مؤمنان علیه السلام در مورد صفات  
 ظاهری آن حضرت نیز می‌فرماید: «هُوَ  
 شَابٌّ مَرْبُوعٌ حَسَنُ الْوَجْهِ حَسَنُ الشَّعْرِ يَسْبُلُ  
 شَعْرُهُ عَلَى مَنْكِبَيْهِ وَ نُورٌ وَجْهِهِ يَغْلُو سَوَادَ  
 لَيْحَتَيْهِ وَرَأْسُهُ بِأَيْبَى ابْنِ خَيْزَمَةَ الْإِمَاءِ»<sup>۳</sup> او  
 جوانی چهارشانه، نیکو صورت و  
 نیکو موی می‌باشد که موی او بر شانه  
 هایش فرو ریخته و درخشندگی

چهره‌اش، سیاهی موی محاسن و سر  
 او را تحت الشعاع قرار می‌دهد. پدرم  
 فدای او باد که فرزند بهترین بانوان  
 است.»

دیده در هجر تو شرمنده هجرانم کرد

بسکه شبها گهر اشک بدامانم کرد

شماه‌ای از گل روی تو به بلبل گفتم

آن تنک حوصله رسوای گلستانم کرد

۱. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۵۱، ص

۱۱۵، ذیل روایت ۱۳.

۲. نهج البلاغه، محمد دشتی، خطبه ۱۸۷، ص  
 ۳۶۸.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶، ح ۶؛ روزگار  
 رهایی، کامل سلیمان، ترجمه علی اکبر  
 مهدی پور، ج ۱، ص ۱۲۳؛ کتاب الغیبة، شیخ  
 طوسی، مؤسسه معارف اسلامی، ص ۴۷.

۴. کمال الدین، شیخ صدوق، انتشارات مسجد  
 جمکران، دوم، ۱۳۸۲، ج ۱، صص ۵۴۲-۵۴۳؛  
 نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷.

توجه داده، این امر است که هیچ گاه زمین خالی از حجت نیست و این حجتها مجموعاً دوازده نفرند. در نتیجه، امامت در تمام ادوار تا دوران ظهور مهدی موعود علیه السلام ادامه دارد.

آن حضرت در کلامی فرمود:  
 «اللَّهُمَّ بَلَى لَنْ تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ بِحُجَّتِهِ  
 إِنْ لَمْ تَبْطَلْ حُجَجَ اللَّهِ وَبَيِّنَاتِهِ؛<sup>۳</sup> آری خدایا!  
 زمین خالی از قیام کننده به حجت الهی  
 نمی ماند تا اینکه حجتها و دلائل  
 روشن الهی باطل نشود.» این مضمون  
 به صورتهای متعددی از مولا امیر  
 مؤمنان علیه السلام نقل شده است.<sup>۴</sup>

در جای دیگر مشخص فرمود که  
 این حجتهای الهی دوازده نفرند: «يَكُونُ  
 لِهَذِهِ الْأُمَّةِ بَعْدَ نَبِيِّهَا اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا عَدْلًا لَنَا  
 يَضُرُّهُمْ خِلَافٌ مَنْ خَالَفَ عَلَيْهِمْ؛<sup>۵</sup> برای این  
 امت دوازده امام عادل پس از پیامبرش

کسانی که همانندشان هستند، بسپارند  
 ...؛ آنان که دانش و نور حقیقت بینی بر  
 قلبشان تابیده و روح یقین را  
 دریافته اند که با آنچه خوشگذرانها  
 دشوار می شمردند و با آنچه ناآگاهان از  
 آن هراس داشتند، انس گرفتند. در دنیا  
 با بدنهایی زنگی می کنند که  
 ارواحشان به جهان بالا پیوند خورده  
 است. آنان جانشینان خدا در زمین و  
 دعوت کنندگان مردم به دین خدایند.»  
 آن گاه فرمود: «آه آه شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْهِمْ؛<sup>۱</sup> آه  
 آه! چه قدر مشتاق دیدارشان هستیم.»  
 به هر جامی رسم جای تو خالیست

بجز یاد تو همراز دلم نیست  
 مخصوصاً دوران ظهور آن  
 حضرت و استقرار حکومت عادلانه او  
 که جمال و کمال، دولت و صولت گرد  
 هم آمده، سخت مورد اشتیاق  
 امیر مؤمنان بوده است؛ لذا فرمود: «يَا  
 شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْهِمْ فِي حَالِ ظُهُورِ دَوْلَتَيْهِمْ؛<sup>۲</sup>  
 چقدر مشتاق دیدار آنها هستم، در آن زمان  
 که در ظهور دولتشان به سر می برند!»

#### ب. تداوم امامت با دوازده نفر

از جمله مسائلی که امیر  
 مؤمنان علیه السلام با بیانهای مختلف به آن

۱. همان.

۲. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دار

التعارف، ج ۱، ص ۲۳۵، ح ۳.

۳. نهج البلاغة، حکمت ۱۴۷؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۵۴۲.

۴. ر. ک: کمال الدین، ص ۵۴۳، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷.

۵۶۲، که از طریق امام صادق علیه السلام، کمیل، نخعی،  
 ابی اسحاق همدانی، ... نقل شده است.

۵. همان، ص ۵۵.

وجود دارد که مخالفتِ مخالفین  
ضروری به آنان نمی‌رساند.»

و در بیان دیگر فرمود: «يَا هَارُونِي  
لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَعْدَهُ اِنَّا عَشَرٌ اِمَامًا عَدْلًا لَنَا  
يَضُرُّهُمْ خِذْلَانٌ مِّنْ خِذْلِهِمْ؛<sup>۱</sup> ای هارونی!  
پس از محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دوازده امام عادل  
خواهد بود که تلاش خوار کنندگان به  
آنها ضروری نرساند.»

و آن‌گاه روشن نمود که این  
دوازده نفر از قریش و از نسل هاشم  
هستند: «إِنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ قُرَيْشٍ غُرُسُوفِي هَذَا  
الْبَطْنِ مِنْ هَاشِمٍ لَا تَضْلُجُ عَلَى سِوَاهُمْ وَلَا  
تَضْلُجُ الْوَلَاةُ مِنْ غَيْرِهِمْ؛<sup>۲</sup> همانا امامان همه  
از قریش می‌باشند که [درخت] آنها را  
در خاندان بنی هاشم کاشته‌اند. مقام  
ولایت و امامت در خور دیگران  
نیست و دیگر مدعیان [زمامداری]  
شایستگی آن را ندارند.»

این موضوع در منابع اهل سنت  
نیز آمده<sup>۳</sup> که جانشینان پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
دوازده نفرند و همه از بنی هاشم‌اند.  
سلیمان قندوزی می‌گوید: «مقصود از  
دوازده خلیفه همان امامان دوازده گانه  
شیعه است؛ زیرا نمی‌توان احادیث را  
بر خلفاء راشدین تطبیق کرد؛ چون

تعداد آنان کمتر از دوازده است و  
نمی‌توان بر حاکمان اموی منطبق کرد؛  
چون بیش از دوازده نفر بودند و غالب  
آنها عناصری ظالم و ستمگر بوده‌اند.  
گذشته از این، آنها از دودمان هاشم  
نبودند و از تیره امیه بودند و همین  
طور به خلفاء عباسی نمی‌توان تفسیر  
کرد؛ چون تعداد آنها نیز بیش از دوازده  
نفر است و افزون بر آن پیوسته با  
نزدیکان پیامبر در جنگ و ستیز  
بوده‌اند؛ لذا راهی جز این نیست که  
بگوییم: همان امامان دوازده گانه شیعه  
مقصود است.»<sup>۴</sup>

اما علی عَلِيٌّ مسئله را این چنین  
مشخص فرمود: «أَلَا إِنَّ مَثَلَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
كَمَثَلِ نُجُومِ السَّمَاءِ إِذَا خَوَى نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ؛<sup>۵</sup>  
بیدار باشید! مثل آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چونان  
ستارگان آسمان است که اگر ستاره‌ای  
غروب کند، ستاره دیگر طلوع خواهد

۱. همان، ص ۵۵۸، ح ۷.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۴، ص ۲۶۴.

۳. ر.ک: صحیح مسلم، ج ۱۶، ص ۳؛ بحوث فی

الملل والنحل، سبحانی، ج ۶، صص ۵۸-۶۱.

۴. بنایب المودة، سلیمان قندوزی، چاپ

استانبول، ۱۳۰۱، ص ۴۴۶، با تلخیص.

۵. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۰، ص ۱۸۶.

کرد...»

و در جای دیگر به ابن عباس فرمود: «إِنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي كُلِّ سَنَةٍ وَإِنَّهُ يَنْزِلُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ أَمْرُ السَّنَةِ وَلِذَلِكَ الْأَمْرُ وُلَاةٌ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ مَنْ هُمْ قَالَ أَنَا وَأَحَدٌ عَشَرَ مِنْ صُلْبِي أَيْمَةٌ مُحَدَّثُونَ»<sup>۱</sup> به راستی شب قدر در هر سالی هست و در آن شب تقدیرات آن سال نازل می شود و برای آن امر والیانی پس از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وجود دارد. ابن عباس عرض کرد: آنان چه کسانی هستند؟ فرمود: من و یازده تن از صلب من که امامان محدث هستند. در روایت دیگر می خوانیم که «از علی علیه السلام درباره سخن رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که فرموده بود: من بین شما دو شیء گرانبها می گذارم: قرآن و عترتم. سؤال شد که عترت کیست؟ حضرت فرمود: من، حسن، حسین و امامهای نه گانه از فرزندان حسین علیه السلام که نهمی آنها مهدی و قائم آنان می باشد. اینان از قرآن، کتاب خدا، جدا نمی گردند تا در حوض کوثر بر رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وارد شوند.»<sup>۲</sup>

غیبت طولانی و حیرت زای آن محبوب دلها داده و این حادثه تلخ را برای همراهان و آیندگان بیان نموده و شدت و نهایت نگرانی و ناراحتی خود را از آن بیان نموده است.

اصحغ بن نباته گوید: بر امیر مؤمنان وارد شدم و دیدم [ناراحت و] در اندیشه فرو رفته و با انگشت بر زمین خط می کشد. گفتم: ای امیر المؤمنین! چرا شما را اندیشناک [و اندوهناک] می بینم و چرا بر زمین خط می کشید؟ آیا به زمین و خلافت در آن رغبتی دارید؟ فرمود: «لَا وَاللَّهِ مَا رَغِبْتُ فِيهَا وَلَا فِي الدُّنْيَا يَوْمًا قَطُّ وَلَكِنْ فَكَّرْتُ فِي مَوْلُودٍ يَكُونُ مِنْ ظَهْرِي السَّحَابِيِّ عَشَرَ مِنْ وُلْدِي هُوَ الْمَهْدِيُّ يَمْلُؤُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا تَكُونُ لَهُ خَيْرَةٌ وَغَيْبَةٌ يَضِلُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَيَهْتَدِي فِيهَا آخَرُونَ»<sup>۳</sup> نه به خدا! به زمین و دنیا هرگز رغبتی نداشته ام ولیکن درباره مولودی اندیشه می کنم که از نسل من و یازدهمین فرزند من

### ج. غیبت حیرت زا

سالها قبل از تولد حضرت مهدی علیه السلام امیر بیان علی علیه السلام خبر از

۱. کمال الدین، ص ۵۶۶، ح ۱۹.

۲. معانی الاخبار، صدوق، تهران، مطبعة الحیدری، مکتبة الصدوق، ص ۹۵.

۳. کمال الدین، ج ۱، صص ۵۳۸-۵۳۹.

و در جای دیگر فرمود: «لِلْقَائِمِ مِنَّا غَيْبَةٌ أَمَدُهَا طَوِيلٌ كَأَنِّي بِالشَّيْخَةِ يَجُوكُونَ جَوْلَانَ النَّعْمَ فِي غَيْبَتِهِ يَطْلُبُونَ الْمَرْصَى قَلْنَا يَجِدُونَهُ...»<sup>۱</sup> برای قائم ما غیبتی است که مدتش طولانی است. گویی شیعه را در دوران غیبت او می بینم که سرگردان اند، مانند جولان چهار پایان؛ چراگاه را می جویند، ولی آن را نمی یابند...»

دلم آگاهی از جایبند ندارد  
نشان از رد پاهایت ندارد  
در این دنیای ما، می دانم ای دوست  
کسی تاب تماشایت ندارد  
همین مضمون در روایات متعدد به طرق مختلف نقل شده است.<sup>۲</sup>

در نهج البلاغه هم می خوانیم: «فِي شَرْحِهِ عَنِ النَّاسِ لَا يَنْصِرُ الْقَائِفُ أَثَرَهُ وَ لَوْ تَابَعُ نَظْرَهُ»<sup>۳</sup> [حضرت مهدی علیه السلام سالهای طولانی] در پنهانی از مردم به سر می برد؛ آن چنان که اثر شناس، اثر

است. او مهدی علیه السلام است که زمین را پر از عدل و داد می سازد، همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد. او را حیرت و غیبتی است [که مردم نسبت به او پیدا می کنند و] اقوامی در آن گمراه می شوند و اقوام دیگر در آن هدایت می یابند.»

اصبغ بن نباته می گوید: «گفتم: ای امیر مؤمنان! چنین چیزی واقع خواهد شد؟ فرمود: آری، همان گونه که او آفریده شده [دارای غیبت نیز خواهد بود] و تو را نرسد که به این مسئله علم پیدا کنی. ای اصبغ! آنها بهترین این امت به همراه نیکان این عترت خواهند بود. گفتم: بعد از آن چه خواهد شد؟ فرمود: سپس خداوند هر چه بخواهد انجام می دهد...»<sup>۴</sup>

در روایت دیگر می خوانیم، اصبغ بن نباته می گوید: «أَنَّهُ ذَكَرَ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ أَمَا لَيُنَبِّئَنَّ حَتَّى يَقُولَ الْجَاهِلُ مَا لَيْلَهُ فِي آلِ مُحَمَّدٍ حَاجَةً؟»<sup>۵</sup> امیر مؤمنان علیه السلام از قائم علیه السلام یاد کرد و فرمود: او حتماً غایب خواهد شد؛ غیبتی که جاهل [به راز غیبت] گوید: خداوند را در آل محمد علیه السلام حاجتی نیست.»

۱. همان، ص ۵۳۹.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۹، ح ۱۹.

۳. همان، ص ۱۰۹، ح ۱.

۴. ر. ک: کمال الدین، ج ۱، ص ۵۶۳، ح ۱۲؛ ص ۵۶۴، ح ۱۵.

۵. همان، ص ۱۷.

۶. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰، ص ۲۷۴.

وَأَيُّدَهُمْ بِرُوحٍ مِّنْهُ؛<sup>۲</sup> [ظهور مهدی واقع می شود] و لکن پس از غیبت و حیرتی که جز مخلصین کسی در آن استوار نمی ماند؛ کسانی که دارای روح یقین هستند و خداوند پیمان ولایت ما را از آنها گرفته و آنان را به واسطه روحی از جانب خود مؤید داشته است.»

از زبان منتظرانش باید گفت:

تا فصل بهار منتظر خواهم ماند

تا دیدن یار منتظر خواهم ماند

در غیبت تو اگر مرا دار ززند

بر چوبه دار منتظر خواهم ماند

هـ فضیلت انتظار

از مسائلی که باعث پیروزی و

ثبات قدم در دوران غیبت کبری

می شود و در کلام امیر بیان علی علیه السلام به

آن توجه شده، فضیلت انتظار است؛

البته انتظار سازنده و فضیلت ساز، نه

ویرانگر و ناامید کننده.

انتظار سازنده، یعنی خود را برای

دوران ظهور آماده کردن و با هر کجی و

گناه در خود و دیگران مبارزه نمودن.

قدمش را نمی یابد؛ گر چه در یافتن اثر [و نشانه ها] تلاش فراوانی نماید.»

د. پیروزمندان دوران سخت غیبت

دوران غیبت کبری دوران سخت

و امتحان طاقت فرسایی است که

مردودهای فراوانی خواهد داشت؛ هر

چند قبول شدگان سخت کوشی نیز

دارد.

اما چه کسانی در این دوران

سخت و دشوار پیروز از امتحان بیرون

می آیند؟ علی علیه السلام اوصاف آنها را

این گونه معرفی می کند:

۱. ثابت قدمان راه الهی

مولا می فرماید: «أَلَا فَمَنْ ثَبَّتْ مِنْهُمْ

عَلَى دِينِهِ [و] لَمْ يَنْشَقْ قَلْبُهُ لَطُولِ أَمَدِ غَيْبَةِ

إِمَامِهِ فَهُوَ مَعِي فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛<sup>۱</sup> هر

که در آن دوران در دینش استوار باشد

و قلبش به واسطه طول غیبت اما مش

سخت و قسی نشود، او در روز قیامت

هم درجه من است.»

۲. مخلصان

آن حضرت فرمود: «وَلَكِنْ بَعْدَ غَيْبَةِ

وَحَيْرَةٍ فَلَا يَثْبُتُ فِيهَا عَلَى دِينِهِ إِلَّا الْمُخْلِصُونَ

الْمُبَاشِرُونَ لِرُوحِ الْيَقِينِ الَّذِينَ أَخَذَ اللَّهُ عَزَّ

جَلَّ مِيثَاقَهُمْ بَوْلًا بَيْنَنَا وَكَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ

۱. کمال الدین، ج ۱، صص ۵۶۳-۵۶۴، ح ۱۴.

۲. همان، ص ۵۶۵، ح ۱۶.

انتظار، یعنی ایجاد لیاقت برای دیدار و پیشواز امام خویش که به وسعت هستی نورانیت و روشنایی دارد و انتظار، یعنی آماده شدن برای جامعه عدل مهدوی که به دور از هر گونه ظلم و ستمگری است. به این جهت، علی علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمود: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتَظِرُ الْفَرَجَ»<sup>۱</sup> برترین عبادت انتظار کشیدن برای فرج [و ظهور مهدی علیه السلام] است. باز آکه این دل خستگان دیوانه روی تو آند مست از می عشق تو و خاک سرکوی تو آند چشم انتظار دیدن چشمان جادوی تو آند دل بسته مهر تو و آن قد دلجوی تو آند جان بر کف راه تو و تیغ دو ابروی تو آند محو تماشای تو و آن قد دلجوی تو آند و نقش امام غایب در هدایت مردم حضرت حجت علیه السلام همچون خورشیدی پشت ابر، شعاعهای معنوی و هدایتی خویش را متوجه مردم و شیعیان خود می سازد و هرگز آنها را رها نکرده، تنها نخواهد گذاشت.

امیر مؤمنان علیه السلام در این زمینه می فرماید: «اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يَأْتِيكَ مِنْ حُجَّةٍ

لَكَ عَلَى خَلْقِكَ يَهْدِيهِمْ إِلَى دِينِكَ وَيَعْلَمُهُمْ عَلَيْكَ إِلَّا تَنْظُرَ حُجَّتَكَ وَلَا يَضِلُّ اتِّبَاعُ أَوْلِيَائِكَ بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ بِهِ إِلَّا ظَاهِرَ لَيْسَ بِالْمَطَاعِ أَوْ مُكْتَتِمٍ أَوْ مُسْتَرْقَبٍ إِنْ غَابَ عَنِ النَّاسِ شَخْصُهُ فِي حَالِ هِدَايَتِهِمْ فَإِنَّ عِلْمَهُ وَ آدَابَهُ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ مُنْبَتَةٌ لَهُمْ بِهَا عَامِلُونَ؛<sup>۲</sup> بار خدایا! ناگزیر باید در زمین تو حجتی از تو برای خلائق باشد تا ایشان را به دین تو هدایت کند و علم تو را به آنها بیاموزد تا حجت تو باطل نشود و پیروان اولیاء تو پس از هدایت گمراه نشوند. این حجت، یا آشکار است، ولی مطاع نیست و یا آنکه پنهان است و یا منتظر [ظهور]. اگر چه شخص او در حالی که مردم را هدایت می کند، غایب باشد، اما علم و آداب او در قلوب مؤمنین ثبت است و بدان عمل می کنند.»

ز. راز غیبت امام زمان علیه السلام

درباره راز غیبت، اموری در روایات ذکر شده است همچون: امتحان امت، آماده شدن مردم و جهان برای قیام جهانی، محفوظ ماندن

۱. همان، ص ۵۳۷، ح ۶.

۲. همان، ص ۵۶۲، ح ۱۱.

## انتظار، یعنی ایجاد لیاقت برای دیدار و پیشواز امام خویش که به وسعت هستی نورانیت و روشنایی دارد

حضرت از شر دشمنان، و...  
امیر مؤمنان علیه السلام راز غیبت را در این  
می‌داند که بیعتی از ظالمان بر دوش او  
نباشد؛ چنان که امامان دیگر در برخی  
موارد مجبور شدند به ظاهر بیعت با  
ظالمان را پذیرا شوند.

علی علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْقَائِمَ مِتًّا إِذَا قَامَ  
لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بِنِعَّةٍ فَلَيْدَلِكَ تَخَفَى  
وَلَادَتْهُ وَ يَغِيبُ شَخْصَةً»<sup>۱</sup> هنگامی که قائم  
ما قیام کند، بیعت احدی بر گردن او  
نیست و به این دلیل است که ولادتش  
پنهان است و شخص او [از دیده‌ها]  
غایب می‌باشد.»

جمله امام زمان علیه السلام این تنهایی و غربت  
را در دوران غیبت کبری تحمل می‌کند.  
علی علیه السلام در این زمینه فرمود: «صَاحِبُ  
هَذَا الْأَمْرِ الشَّرِيدُ الطَّرِيدُ الْفَرِيدُ الْوَحِيدُ»<sup>۲</sup>  
صاحب این امر، آواره، رانده، تک و  
تنهاست.»

### ح. غربت و تنهایی مهدی علیه السلام

جاذبه‌های دنیوی و کشش  
نفسانی، همیشه انسانها را به این‌وا  
داشته که به سمت دنیا طلبان سوق پیدا  
کنند و در نتیجه، مردان الهی و رهبران  
دینی کمتر طرفدار داشته باشند و نوعاً  
در غربت و تنهایی به سر برند. انبیاء و  
امامان معصوم علیهم السلام هر کدام در برهه‌ای  
از زمان این تجربه تلخ را داشته‌اند، از

ای شکوفایی هر گل ز شکوفایی تو  
نبود هیچ گل ناز به زیبای تو  
مهدی فاطمه ای مونس تنهایی من  
اشک ریزم به خدا از غم تنهایی تو  
چه شود گر به گدا اذن تماشا بدهی  
تا ببینم رخ زیبا و تماشایی تو

۱. همان، ص ۵۶۴، ذیل حدیث ۱۴.

۲. همان، ص ۵۶۳.